

جمال عباس زاده قربانی سرمایه داری شد

کمیته همبستگی... کارگران ساختمان

شنبه بیست سوم آذر ۱۳۸۷

خبر تعطیلی کارخانه، باعث مرگ یکی از کارگران شرکت صنایع فلزی سازه‌های سنگین تهران شد.

در چهار آذرماه، مدیر شرکت صنایع فلزی سازه های سنگین تهران واقع در جاده قدیم کرج طی سخنرانی در جمع کارگران که مدتها پیش با وجود اخبار غیر رسمی ازدست دادن شغل خود در اضطراب و دلهره بصرمی بردند . اعلام کرد که این شرکت دیگر نمی خواهد کار را ادامه بدهد. در این حین جمال عباس زاده با شنیدن این خبر که آینده و امنیت شغلی خود را از دست رفته دید در همان جا دچار سکت شد و قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داد. با مرگ جمال عباس زاده یک بار دیگر همچون مرگ هزاران کارگر ثابت می شود که امنیت جانی و خانوادگی کارگران به امنیت شغلی آنها که بازچه تصمیمات سرمایه داران شده است بستگی دارد.

کارگران شرکت صنایع فلزی سازه های سنگین تهران می گویند:

این کارخانه قبلاً " تحت نظر سازمان گسترش قرارداداشت و بعدها به شرکت سرمایه گذاری شاهد منتقل گردید و در سال ۸۴ طی اجرایی طرح خصوصی سازی به فرد منش و حاج آقا بابایی از زمینخواران بزرگ تهران فروخته شد. این دو نفر خریدار پس از تصاحب شرکت بسیاری از اموال شرکت را از جمله خودرو ها و ماشین آلاتی که به ظاهر اضافی بودند فروختند و از محل فروش آنها بیشتر از پولی که برای خرید شرکت قیمت گذاشته شده بود به جیب زدند. و شرکت برای شان کاملاً مجانی تمام شد. و پس از فارغ شدن از فروش اموال شرکت به افزایش غارت و چپاول نان از سفره کارگران پرداختند. در سال ۱۳۸۵ بیش از نصف عیدی و پاداش کارگران را حذف کردند که به عنوان طلب باقی مانده است و همچنین سه ماه از حقوق ۸۵ را هنوز نپرداختند. در سال ۱۳۸۶ ۱۸۰ نفر از کارگران قراردادی را اخراج کردند و کارگران بیش از یک سال است که شکایت کرده اند ولی هنوز موفق به دریافت حقوق و سنوات خود نشده اند. امسال نیز ۶۰ نفر را اخراج کردند که آنها هم شکایت کرده اند.

با توجه به اینکه این کارخانه سفارش های بسیاری دارد و بسیار سود آور است اما مدیران و کارمندان عالی رتبه عمداً کارخانه را رها کرده اند تا ورشکسته شود. و بتوانند کارگران رسمی را نیز راحتر اخراج کنند. تا به این روز این کارخانه اسکلت های سنگین طرحها و پروژه های بسیاری از جمله پروژه نواب، پل میرداماد، پل آهنگ ، میدان مرکزی تره بار تهران ، نیروگاههای شهید رجایی ، خوی و یزد، همچنین پل خیبر در منطقه جنگی و صدها پروژه بزرگ دیگر را ساخته است که البته اکنون نه تنها توان کاری آن کم نشده، بلکه توانایی بیشتری نیز دارد. و هم چنان در زمان کار کرد، دارای سود آوری بسیاری بالای است.

هم اکنون این کارخانه دارای ۳۵۰ نفر پرسنل است که بیشتر آنها با توجه به بلا تکلیفی و رها شدن کار از طرف کارفرما هر روز در محل کار حاضر می شوند در حالی که طبق دستور کارفرما سرویس ایاب و ذهاب برای فشار

آوردن و خسته کردن کارگران قطع شده است و اعلام کرده اند که می خواهند ناهار را نیز قطع کنند.
کارگران می گویند قرار است روز یکشنبه ۱۳۸۷/۹/۲۴ بین نمایندگان ما و نماینده کارفرما و وزارت کار در محل وزارت کار جلسه ی برای روشن شدن تکلیف شرکت برگزار شود. ولی ما احتمال می دهیم که نمایندگان نتوانند از حق ما دفاع کنند چون آنها را عوامل کارفرما و دولت ترسانده اند.

حرکتهای فرد منش و حاج آقا بابایی کارفرمای شرکت صنایع فلزی سازه های سنگین تهران مانند رها کردن کارخانه و قطع سرویس ها شباهت صد در صدی به عملکرد شرفی صاحب لاستیک سازی البرز و همچنین عملکرد مدیریت هفت تپه، فرش البرز و صدها کارخانه دیگر دارد. با کمی دقت می توان به این نتیجه رسید که سرمایه داران همگی برای به شکست کشاندن مبارزه پراکنده کارگران و جلوگیری از اتحاد آنها در جهت سراسری شدن مبارزاتشان دست به اقدامات مشترک می زنند. در مقابل چنین اعمال ضد کارگری تنها از طریق گسترش اعتراضات، ساختن تشکل های واقعی با سازماندهی مخفی و برقراری پیوند با کارگران و تشکلهای دیگر کارخانجات و سراسری کردن اعتراضات می توان مقابله کرده و سرمایه داری را شکست داد.

با توجه به سیاست های کلی، سرمایه داری ایران می خواهد تمامی کارخانجات را به تعطیلی بکشاند، از طریق فروش زمین کارخانه و تبدیل آن به سرمایه دلالی، ضمن بردن سود کلان و با نابودی امنیت شغلی و اخراج کارگران باعث گسترش گرسنگی و آوارگی میلیونها انسان خواهد شد. تجارب بدست آمده از بحران سازیها و تعطیلی گسترده کارخانجات از جمله نساجیها، کارخانه های تولید کفش، فرش البرز، لاستیک البرز، ... و هزاران کارخانه ی دیگر که همزمان با مبارزات پراکنده کارگران برای حفظ شغل، حقوق و دست آوردهای خود اتفاق افتاده است، نشانگر نا توانی و عدم جوابگویی مبارزات پراکنده برای مقابله با تهاجم سرمایه داری است. با این توصیف ایجاد تشکلهای توده ای با سازماندهی مخفی در جهت ایجاد و گسترش همبستگی کارگران برای مقابله با تهاجم سازمان یافته ی سرمایه داری ضرورت حیاتی دارد.

درمقابل درب ورودی کارخانه، کارگران عکس همکار خود جمال عباس زاده را زده اند و در جاهای مختلف شعار های زیر را به در و دیوار چسباده اند:

حقوق انسانی حق مسلم ماست
کودکان کارگر محتاج نان خالیند فردمنش ها را، مرغ بریان در سفره بسیار است
مسئولین پاسخگوی، عدالت کو
جمال عباس زاده قربانی سرمایه دار
عزا عزاست امروز روز عزاست امروز کارگر زحمتکش صاحب عزاست امروز
آرزوی کارخانه دار مردن کارگر است
گلستان فرد منش جهنم کارگر است.

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان

۱۳۸۷/۹/۲۲

پیش به سوی ایجاد پیوند بین کارگران کارخانجات و گسترش اعتراضات سراسری